

سرهنك من چه نقشم ؟ ... فرموده اید تیمسار
 با انضباط کامل با احتیاط پیمیار
 فردا هجوم آورند لشکر بیه حزیب تود ه
 از چار سمت ببنند این عده را برگیسار
 تا قطع و قمع گردد حمل و پرتقالی
 ثابت شود که ارتش دارد مقام عالی

سرهنك ، يك مسلسل در بارگه مجلس
 با توپ و تانك ببندید این راه را بیاد ا
 آتش دهد چپ و راست بر چار راه مجلس
 زحمتكشان در آیند اندر پناه مجلس
 ما کرده ایم از اول این خانه را قبایسه
 آسان نمیتوان داد بر صاحبش احواله

سرهنك ، بله قربان ، ما میم نسل د ا را
 افتاده در خطر سخت هم کارخانه هم ده
 این خاك پاك ایران ارثیه است ما را را
 باید بفتح اشراف خوا باند این صدا را
 تا زیدال گردد سرسینه ها مزین
 محفوظ ماند ایران یعنی مناقع من

با انقلاب اکتبر ما را چکار ، سرهنك
 عاقل نشسته بر شاخ هرگز نمیبرد بسن
 سم پاشی است اینکار در این دربار ، سرهنك
 باید کشید از اینها محکم مهسار ، سرهنك
 او باید ار گردد ما پای دار گردیم
 او استوار گردد ما تار و مار گردیم

سرهنك ، اگر کردم سرباز با گمروهبان
 آنهاکه غیر ما یند از استوار و افسر
 این زادن فعله این بچه های دهقان
 باتوده هرکه آمیخت فی الفور تیسر با ران
 فرماندهان قسمت باید نجیب زاده
 فرمانبران قسمت بایست بی اراد

سرباز فعله زاده گردد اگر خبردار
 شلیك کی نماید امثال خوبشتمن را
 کز جان و مالیاتش مسا را بود نگهبدار
 پیوند خود بچوید با یسار خود شود یار
 فی القور با عقب گردد ما راهد ف نماید
 این گرگ زاده آخر با گرگ همزه آید

ای حاکم نظامی ، سرهنك نقش حماس
 تابلو بدزد از حزب ، یال و دم بیجنبان
 کن سو* استفاده از این مقام و این نام
 روز قیام توده دست فند چسود ر د ام
 چون احمدی بگوئی ما مور بود و معذور
 جلاد هم بگوید معذور دار ما مور

ما

را

چکار

سرهنك

دهقان ایرانی

من که بینی بچوانی شده ام
موسسیدی که رش خم گشته ،
هستم از بزرگان وطنت
عرصه ی جور د ماد م گشته

چاره ی جله ی مردم ازماست
لیک خود خون جگر و بیچاره ،
کلیه از خاک ولیکن ویران
جامه کرباس ، ولیکن پاره



مائیانشها بسرا از من نیست
گوسفندان بچرا از من نیست
چارایان بسحرارفته ،
باهیاهییوی دراز من نیست

مالك از خون دل گلرنگم
خانه راساحت گلشن کرده ،
خرشم را ببرد هرنانگس
جز من دانه بخرم کرده

میکشم بهرتشاط دگران
آنقدر رنج که مد هوش شوم ،
لیک چون نویت پاداش رسد
من آزرد ه فراموش شوم*



اصلاحات ارضی رژیم

آمار مربوط به عملکرد قوانین و مقررات اصلاحات ارضی

۱- اراضی غیرمشمول

- دهاتی که دارای زراعت کانیزه هستند
- دهاتی که باغستان تشخیص شده اند
- دهاتی که در محدوده شهرها قرار دارند
- دهاتی که بابت تشخیص داده شده اند
- مالکینی که شخصا زراعت میکنند

قریه ۶۷۴۲
نفر ۷۷۹۰

۲- اراضی مشمول مرحله ی اول (آغاز ۱۹۰۱ تا ۱۳۴۰)

د هات خرید آری شد (مشمول ، داوطلب ، خالصه ، بنیاد پهلوی	۱۵۸۳۴ قریه و ۸۰۱ مزرعه
تعداد خانوار زارع مشمول	۷۳۵٫۷۰۹ خانوار خریدار
تعداد عائله ی زارعین مشمول	۳٫۵۹۰٫۸۳۸ نفر
بهبای املاک خرید آری شد که باید به مالکین پرداخت شود	۹٫۷۷۱٫۹۵۴ ریال
پرداختی وزارت اصلاحات ارضی بابت قسط اول به مالکین	۱۲۳٫۰۴۹ ریال
خرید آری شالیزارهای گیلان و مازندران مازاد بر حد نصاب سی هکتار	۱۶٫۷۶۵ هکتار

۳- اراضی مشمول مرحله ی دوم (آغاز ۱۲۲۳ تا ۱۳۴۳)

پایان یافته در ۵۴٫۲۷۹ قریه و ۱۹٫۹۱ مزرعه ، در شرف اتمام در ۴۵٫۱ قریه و ۱۹۷ مزرعه .

شق اجاره :

املاک موقوفه ی عام	۹۸۸۲ قریه (حدوداً هزارتولیت) ۹۹ ساله به	۱۳۱٫۱۰۵ زارع مستاجر
املاک موقوفه ی خاص	۹۸۵ قریه (حدوداً هزارتولیت) سی ساله به	۲۲٫۸۸۱ زارع مستاجر
عدد ی مالکینی که اجاره داده اند	۲۱۰ نفر	۱۵۱٫۰۷۱ زارع مستاجر

شق فروش :

مالکینی که بتراضی ملك خود رافروخته اند	۳٫۷۹ نفر به	۵۶٫۲۰۵ زارع خریدار
مالکینی که حق ریشه ی زارع را خریدند	۷٫۸۲۱ نفر از زارعینی که نسق خود رافروختند	۱۶٫۸۷۵ زارع فروشنده

شق تقسیم :

به نسبت بهره ی مالکانه بین ۱۷٫۶۸۲ مالك و ۱۵۴٫۳۹۵ زارع

واحد سهامی زراعی :

به نسبت عوامل سابق زراعی و بر اساس هزاره تشکیل شده در ۵٫۶۰۳ قریه
تعداد سهامداران (زارع و مالك) ۱۷۴٫۶۲۹ نفر

توضیحات درباره‌ی آمار عملکرد اصلاحات ارضی

ارقام مستخرجه از گزارش وزارت اصلاحات ارضی بمناسبت هشتمین سال اصلاحات ارضی ۱۸ دی و ۲۱ دی ۱۳۴۸ - مصاحبه‌ی وی با روزنامه‌ند ایران نوین ، ۲۷ آذر ۱۳۴۸
 در این آمار ، ارقام مربوط به مقدار زمین مشمول هر شق یا میزان اراضی هر گروه دهقانی بطور متعلق یا نسبی و حتی عددی دهات هر شق به هیچوجه معلوم نیست .

وسعت اراضی مالکینی که اراضی خود را مکانیزه معرفی کرد ، یا باغ قلم داد ، یا در محدوده‌ی شهر قلمداد کرد ، یا اسم پانیر بر آن گذاشته یا زراعت شخصی نامیده اند و همچنین وسعت اراضی مالکینی که حنی ریشه‌ی زارع را خرید و دهقانان را بجزد و ربذل کرده اند و وسعت اراضی که در شق تقسیم به نسبت بهره‌ی مالکانه سابق ، سهم مالک شده معلوم نیست . در حالیکه برای ارزیابی درست دامنه و حق اقداسات رژیم ، حتی از همان جنبه‌ی تحدید مالکیت های بزرگ ، و نسبت اراضی دهقانان صاحب زمین شده این ارقام ناگزیر لازم است .

در باره اراضی مکانیزه و باغ جداگانه توضیحاتی دادیم . مقدار اراضی واقع در محدوده‌ی شهرها ، یعنی مرغیترین املاک از نظر قیمت محصول و بازار فروشش معلوم نیست . اینگونه اراضی طبق ماده‌ی ۴۳ آئین نامه مصوب ۲ مرداد ۱۳۴۳ از شمول قانون معاف شده اند . اعلامیه وزارت اصلاحات ارضی ۲۷ خرداد ۱۳۴۸ این معافیت را تأیید و تسجیل کرد .

در رقم دهات خریداری شده در مرحله‌ی اول نه فقط وسعت اراضی معلوم نیست بلکه رقم داده شده اعم از ششده انگ و کمتر از ششده انگ است و گویای دامنه و اهمیت و نسبت دهات خریداری شده در مجموع دهات نیست .

فهرین آفریز : « از آنجاکه اکثر دهات مشمول قانون ششده انگ نیست تعد ادکل دهاتی را که بد دهقانان فروخته شد ، میتوان تقریباً بالغه بر پنجهزار ده کامل و یا بعبارت دیگر ۱۰٪ تعد ادکل دهات ایران دانست . » (نقل از باختر امروز شماره ۳ رار ۱۳۴۵)

چند مثال تفکیکی بین دهات ششده انگ و کمتر از آن از چند منطقه برای نمونه و نسبت آنها :

نام منطقه	جمع قرا* خریداری شد ^۱ مرحله‌ی اول	ششده انگ	کمتر از ششده انگ
شهرستان زنجان	۱۰۲۱	۵۹۵	۴۲۶
استان تهران	۱۰۰۶	۲۳۹	۷۱۷
استان آذربایجان شرقی	۱۲۹۲	۴۴۹	۸۴۳

بجز راههای قانونی* فرار از قانون که در این آمار منعکس است ، کلاههای شرعی و عرفی مالکان و همچنین نتایج تحول بعدی در

اینجاد ید ه میشود.

* نقل وانتقال املاک بفرزند ان و خویشاوندان ، ارائه وقف نامه های نوظهور، تظاهر به مکانیزه کردن اراضی و غیره کلاماً مانور هائیکست در جهت متوقف ساختن قانون.*
* ۰۰۰ در رساله های بعد تعدادی از دهقانان مواضع مادی خود را تسلیم رباخواران شهری و استثمارگران ده نمود و مجدداً بصورت کارگر مهاجر درآمدند.* (مجله ی ثروت ملل ، اول آذر ۱۳۴۶)

درباره ی اراضی مکانیزه

— کلیه ی اراضی که در تاریخ تصویب قانون اصلاحی (دیماه ۱۳۴۰) از طریق زراعت مکانیزه بوسیله ی کارگر کشاورزی مورد بهره برداری واقع شده باشد از شمول قوانین مقررات اصلاحات ارضی خارج بود و در این زمینه علاوه برآنکه تکلیف تازه ای برای این قبیل مالکان ارضی تعیین نخواهد کرد ، دولت نیز با استفاده از امکانات خود تسهیلات لازم را برای بهره برداری بیشتر این قبیل مالکین فراهم مینماید.* (ولیان وزیر اصلاحات ارضی — اطلاعات ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— * دادن اطمینان خاطر بصاحبان باغات و اراضی مزروعی مکانیزه نسبت بآینده و حمایت هایی که از ایشان با شرط ادامه ی اسلوبهای فنی و زراعت بعمل خواهد آمد ، از اقداماتی است که در راه تحقق هدفهای اصلاحات در حال اجراست و البته میباید درآینده هر چه بیشتر و بهتر عملی گردد.* (شاه — پیام بناسبت هفتمین سال اصلاحات ارضی)

— ماده ی ۲ از قطعنامه ی کنفرانس اطافهای بازرگانی منعقد در تبریز ؛ "بخش خصوصی آمادگی خود را برای سرمایه گذاری در رشته های کشاورزی مکانیزه در طول مدت برنامه ی چهارم اعلام میدارد.*" (تهران اکونومیست ، ۱۸ شهریور ۱۳۴۶)

— از ۶ میلیون هکتار اراضی زیرکشت فقط یکصد هزار هکتار آن مکانیزه است . اما مساحت اراضی که در کشور با تراکتور شخم میشود بین ۲ تا ۳ میلیون هکتار است.* (مجله ی تلاش ، شماره ۱۳ آذر ۱۳۴۷)

— گزارش ینگاه دولتی ماشینهای کشاورزی ایران ؛ مقدار شخم سالیانه توسط ماشینهای کشاورزی در حدود ۲ میلیون هکتار ، هر تراکتور بطور متوسط ۲۰۰ هکتار در سال ۰۰۰.* (مجله ی فردوسی ۱۲ فروردین ۱۳۴۸)

— پروفیسور دنس انگلیسی در سمینار تحقیقات روستائی ؛ مالکین زیرک تشویق شده اند تا منابع خود را در مزارع مکانیزه بکارانند ازند.* (آگهی دولتی ، مجله ی سپید و سیاه ، ۲۵ آذر ۱۳۴۸)

— سناتور جفودی در جلسه ی سنا ؛ یکی از راههای منطقی اقتصادی اصلاحات ارضی ، مستثنی کردن واحدهای مکانیزه و بساغات

بود* (سحر، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۷)

— از موقعی که قانون اصلاحات ارضی و زراعت مکانیزه اعلام گردیده، بر میزان ماشین آلات افزوده گردیده* (تهران اکونومیست، ۷ بهمن ماه ۱۳۴۷)

— پیشرفت کشاورزی ماشینی بویژه بعد از انقلاب شاه و مردم و ایجاد مزارع بزرگ و ماشینی شدن امور کشاورزی در گوشه و کنسار کشور* (مجله کارگران، ۴ دیماه ۱۳۴۸)

— مالکان بزرگ با سو* استفاد و از مادی مربوط به معافیت اراضی مکانیزه توانستند با خرید يك تراکتور زمینهای پهناوری را از شعول قانون خارج کرده و برای خود نگاه دارند* (ماهنامه ی مردم، اسفند ۱۳۴۷)

در باره ی باغات

— کلیه ی باغات میوه و باغات جای و قلمستانها که عرصه و اعیانی آنها کلاً متعلق به مالک باشد با حقایقه معموله کماکان در ید مالکین مربوطه باقی خواهد ماند و نه تنهاتخییری در وضع آنان ایجاد نخواهد شد، بلکه در آیند که ککهای نیز باین دسته میشود* (ولیان، وزیر اصلاحات ارضی، اطلاعات ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— در کرانه های بحر خزر نهضت تازه ای در زمینه باغ سازی بوجود آمد و است* هم اکنون در سرتاسر شمال باغهای تازه ای ساخته میشوند که صاحبان آنها اکثراً تهرانی میباشند و جالب است که اکثر کسانی که میخواهند بکار باغداری بپردازند از رجال قدیمی یا افسران بازنشسته هستند* (سپید و سیاه، ۲۶ تیرماه ۱۳۴۷)

د و نمونه از اراضی باغ معرفی شده و خارج از شعول قانون که در اواسط اردیبهشت ۱۳۴۸ بفروش رفته :

— در شهر یارمزرعه ای با مساحت یک هزار هکتار، درختان و باغ انگور و سه رشته قنات و ۱۵ سنگ آب و تراکتور و ۳۰۰ گوسفند — هر مربعی ۲۵ ریال،

— در دهکده ی جلیل آباد ورامین باغ سه هزار متر مربع با حقایقه از رودخانه — ۹۰۰ هزار ریال (تهران اکونومیست ۸ اردیبهشت ۱۳۴۸)

— در یکی دو سال گذشته که باغ پسته مشمول قانون اصلاحات ارضی نشد در ور زمینها را دیوار کشیدند و درخت پسته کاشتند (در رفسنجان) * اینست که تعداد باغها دم بیشتر میشود و تعداد درختان که حالا سربه چند ملیون میزند بالاتر میرود* (کیهان

۲۰ خرداد ۱۳۴۸)

— در گزارش رسمی وزارت اصلاحات ارضی مهرماه ۱۳۴۴ هنگامیکه فقط مرحله ی دوم در ۳۶ هزارده اجرا شده بود تعداد دهاتی که کلا باغ تشخیص داده شده و از شمول قانون خارج گردیدند ۷۸۹ قریه ذکرگردیده است. در همین گزارش تعداد قسرا* شده انگلی که دارای زراعت مکانیزه تشخیص داده شده و معاف شدند ۱۲۸۲ ذکرشده است (تامهرماه ۱۳۴۴).

آیندگان * در روستاجان خداوندان زمین حيله ای بکاربرده اند و آن اینکه هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی ناآنچکه مقدور بود زمینهای زراعی را به باغ پسته تبدیل کردند و از تقسیم زمین بین زارعین جلوگیری کردند. طبیعی است که فریاد زارعین هم بجای نرسید.* (نقل از خواندنیها، ۲۶ مهرماه ۱۳۴۷)

— یکی از صاحبان باغ مرکبات، صد هکتار باغ پرتقال با آخرین اصول علمی در اردک هر سال فقط دهها هزار تومان خرج سم پاشی و کود آن میشود.* (سپید و سیاه، اول دیماه ۱۳۴۶)

درباره ی قانون فروش و تقسیم اراضی استیجاری به زارعین مستاجر

بازرسی دهقانان و ندادن اجاره بها یکی از علل عمده ی تصویب این قانون بود که خود از هنگام تسلیم به مجلس (۲۴ مهر ۱۳۴۷) تا تصویب آن (۲۴ دی ۱۳۴۷) تخییرات زیادی بخواست مالکان و بسود اینان یافت. علاوه بریک سلسله طولانی تسهیلات و مزایا و تضمین ها که برای مالکان در نظر گرفته شده است (اطلاعات، کیهان، پیغام امروز ۲۵ مهر ۱۳۴۷، مواد الحاقی — روزنامه های عصر ۷ آبان ۱۳۴۷، مواد الحاقی دیگر روزنامه های عصر ۱۵ آبان) * لایحه که اول بشکل اجبار فروش کلیه ی اراضی استیجاری بد دهقانان مستاجر طبق نسق آنان بود، تغییر شکل ماهوی داد. این تغییر مهم و کیفی شکل مواد مربوط به تقسیم اراضی استیجاری بر اساس بهره ی مالکانه ی قبلی (نه واگذاری کلیه ی زمینها بد دهقانان) طبق خواست و باختیار مالک است (روزنامه های عصر آبان، روزنامه های صبح ۳۰ آبان ۱۳۴۷) * یعنی این اراضی بد لخواه مالک یا نسبت به بهره ی مالکانه تقسیم خواهد شد (مثل شق سوم مرحله ی اول) و یا به اقساط ۱۲ ساله فروخته میشود (مثل شق دوم) *

از بین مالکان اراضی استیجاری:

۲۳۲۸۸ مالک اظهارنامه برای فروش دادند در حال اراضی اینها با اقساط ۱۲ ساله فروخته میشود.
۸۰۵۲۱ مالک از تقدیم اظهارنامه خود داری کردند
۱۸۲۰۸۴ مالک تقاضای تقسیم به نسبت بهره ی مالکانه کرد و اند

(ندای ایران نوین، ۶ مرداد ماه ۱۳۴۸)

* قانون تکلیف ۲۶۳ هزار مالک (اجاره دهند و یاداری واحد سهامی) را روشن میکند.* (ولیان ۱۵ آبان ۱۳۴۷)

دهقانان شامل قانون عیارتند از:

دهقان مستاجر ارباب	۱۰۷۱۰۱۵۱
دهقان در واحد سهامی ارباب	۱۲۱۱۶۹۸
دهقان در موقوفات خاص	۲۲۸۸۸۶

این امر که چه اندازه اراضی اربابی و بعد استیجاری همچنان در دست مالکان باقی خواهد ماند بستگی دارد به عده ای که کسانیکه راه تقسیم را برگزیده اند (یعنی ۱۸۱۲۰۸۴ مالک) و اینکه ملک هر یک چه اندازه وسیع بوده و با لایحه باینکه بهره ی مالکانه ی سابق بچه نسبتی باشد. بخصوص که در جریان اجرا طبق تبصره ی یک ماده ی اول قانون، زارعین مکلف به تبعیت از نظر مالک خواهند بود. یعنی مثل مرحله ی اول (فروش زیاد به پرداخت نصاب) مرغوبترین و حاصلخیزترین اراضی نزدیک جاده و دارای آب برای مالک میماند و قطعات در افتاده و سنگسلاخ ناهموار و بی آب برای دهقانان زحمتکش.

جمعیت عمومی از آمار عملکرد قوانین اصلاحات ارضی

دهقانانی که صاحب زمین شده یا خواهند شد (یامسای نسق سابق و یا کمتر از آن بر حسب بهره ی مالکانه ی سابق)

خانوار از مرحله ی اول	۷۳۵۷۰۹	(۱)
خانوار از شق فروش مرحله ی دوم	۵۶۲۰۵	(۲)
خانوار از شق تقسیم مرحله ی دوم	۱۵۴۳۹۵	(۳)
خانوار از قانون فروش و تقسیم اراضی استیجاری (اجاره مالکی - موقوفه خاص - واحد سهامی)	۱۳۰۵۷۱۵۵	(۴)

مسای نسق قبلی میخورد. گروه نسبت بهره ی مالکانه تقسیم شده. ۱۸۵۹۹۲ مالک بودند تنها قبلی خواهند خرید. بقیه گسه در از نسق سابق و به نسبت بهره ی

اراضی موقوفه ی عام *

موقوفه ی عام در جنب شرکتهای



تبصره: گروه اول و دوم همزارع سوم زمین کمتر از نسق قبلی است چون به از گروه چهارم که اجاره داران در املاک دهقانان ۱۰۳۹۰۹ مالک، مطابق نسق اراضی ۱۸۲۰۸۴ مالک زراعت میکردند کمتر مالکانه ی گذشته.

تند دهقانانی که اجاره دار باقی میمانند: ۱۲۱۶۹۸ خانوار - مستاجر ۹۹ ساله ی

تبصره: در مواردی که اراضی

سهامی زراعی باشد احتمالاً شرکت طبق قانون میتواند آن قطعه را تبدیل پل به احسن کند.

د هقانی که بدون زمین هستند :

حدود ۸۰۰۰۰ ر ۸۰۰ خانوار د هقنان بدون نسق ، خوش نشینها که هیچگونه نصیبی نبرده اند
* در وضع د هقانی که بصورت مزد ورکار میگردند هیچگونه تغییری حاصل نمیشود * (ثروت ملل اول آذر ۱۳۴۶)

مالکینی که زمین ارباقی مانده و در روستاها اراضی وسیعتری دارند :

— صاحبان اراضی مکانیزه احتمالاً در حدود ۲۰۰ قریه
— صاحبان باغات و قلمستانها احتمالاً در حدود ۱۰۰ قریه
— صاحبان اراضی نزدیک شهرها

— مالکینی که حق ریشی زراعت را خریدند ۷۸۲۱ ر مالک (طبق شق فروش مرحله دوم)
— مالکینی که به نسبت بهره ی مالکانه ،

ملک برای خود نگاه داشته اند ۱۷۶۸۲ مالک (طبق شق تقسیم مرحله دوم)
— مالکینی که طبق قانون تقسیم اراضی

استیجاری برای خود ملک نگاه داشته اند ۱۸۲۰۸۴ مالک (راه تقسیم را در این قانون برگزیده اند)
— زمینداران جدید ، اغلب صاحب نفوذ و ثروت فراوان که کشاورزی و دامداری مدرن برشالوده ی سرمایه داری پراهمند اخته اند یا میبایند آزند .

(در آمار رسمی همچنین یک رقم ۷۸۷۹۴۰ خانوار که شخصاً زراعت میکنند و بعد از آن از دهقان کم زمین ، ریزه مالک ، خسرده مالک و دیگران یافت میشود . مطالعه ی دقیق تر و جزئی تر این رقم بزرگ نیز برای درک جای طبقاتی هر یک از آن ضرور است)^۱

تاریخچه ای از اصلاحات ارضی رژیم

قانون اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت های بزرگ خصوصی زمین در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ تصویب شد .
حد تصاحب مالکیت برای هر شخص ۴۰۰ هکتار زمین آبی و یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم بود . هر مالک میتواندست ظرف دو سال از تاریخ تصویب قانون یک برابر نیم این مقدار زمین را بپوراث قانونی خویش منتقل کند . هر مالک حق داشت هر مقدار از اراضی خود را که میل داشت بدیگران انتقال داده و در مقابل مبلغی بچنان عنوان بدولت بپردازد .

قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی در ۱۹۰۱۰۱۹۰۱۳۴ تصویب شد .

حد تصاحب مالکیت برای هر شخص در تمام ایران یک ده شد . آنکه ، بقیه میبایستی از جانب دولت خریداری و با قسط بپسندید .
د هقنان صاحب نسق واگذاشته شود (مرحله ی اول اصلاحات ارضی) ارزیابی بهای دهات اضافی بر مبنای مالیات پرداختی

بود يك ده برای خود نگاهد ارد. اما فشار سیاسی
 و فرزند ان مالکان رانیز مجاز بحفظ يك ده برآ
 از اجرای قانون محرز بود و باشد. اگر صورت
 شدید ترمیمید* (فورین آفرز - باخترا امر و ز ،



معین و اراضی معانی، میبایست یکی از شقوق ؛
 انتخاب شود (مرحله ی دوم اصلاحات ارضی) -

بود*
 * در ابتدا فقط رئیس خانواده مجاز
 از تاحیه ی مالکان دولت را مجبور ساخت که زنان
 هر يك از آنان بنماید بشرطیکه مالکیت آنان پیش
 اولیه ی قانون اجرا شده بود اثر آن بمراتب
 شماره ۱۳ فروردین ۱۳۴۵ *

قانون مواد الحاقی بقانون اصلاحات ارضی در
 ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۱ تصویب شد *

باختیار مالک ، صرفنظر از حد نصاب
 تقسیم ، فروش ، اجاره ، واحد سهامی زراعی

قانون فروش و تقسیم اراضی استیجاری -
 دهقانان مستأجر ۲۳ دی ۱۳۴۷ تصویب شد
 (آئیننامه ی اجرائی ۱۶ فروردین ۱۳۴۸)

طبق این قانون شکل اجاره
 ملغی میشود و با اختیار مالک ، اراضی یا با قسط ۱۲ ساله - مساوی اجاره بهای سالیانه - بزرگین فروخته میشود و پایه نسبت بهره ی مالکانه ی
 سابق بین مالک و زارع تقسیم میشود*

برنامه ی آینده یا مرحله ی سوم ؛

انقلاب کشاورزی از طریق ماشینی کردن و نوساختن سیستم کشاورزی (آیندگان ، ۶ بهمن ۱۳۴۸) یعنی استقرار شیوه ی تولید سرمایه
 داری در کشاورزی ویژه از در راه اساسی ؛

- شرکتهای کشت و صنعت - شکل خاص بهره کشی سرمایه داری آمیخته با سرمایه های خارجی ، وابسته به نواستعمار
 - شرکتهای سهامی زراعی - راه تبدیل تدریجی و طولانی اکثریت دهقانان عضو به افراد بدوین سهم و کارگر شرکت در خدمت اقلیتی
 صاحب سهم کافی و با بنیه ی قوی *

* از این پس شکل حقوقی کشاورزی ایران فقط بد و صورت شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای کشت و صنعت خود نمایی خواهد کرد و هرگونه
 زراعی یا شکل دیگر از زمین خواهد رفت* (منصور روحانی وزیر آب و برق در مراسم آغاز کار نخستین واحد کشت و صنعت) (آیندگان ،

نقشه ی عددی رژیم در مورد کشاورزی رسوخ ، تقویت
و استقرار مناسبات سرمایه داری در کشاورزی ایرانست

— روحانی وزیر آب و برق : * مسئله برای ماکه يك کشور در حال توسعه هستیم اولاً مربوط میشود به تبدیل سیستم از يك اقتصاد کشاورزی سنتی بیک اقتصاد کشاورزی پیشرفته ی تجارتی بر مبنای صنعت و مکانیزاسیون کامل و ثانیا مربوط است بوجود يك سیستم اقتصادی بازار آزاد * (از سمپوزیوم بازاریابی وزارت تولیدات کشاورزی — آیندگان ۲۷ آبان ۱۳۴۷)

— هوید انخست وزیر : * دولت بواحدهای کشاورزی مکانیزه در هر سطح و مساحتی که هستند مثل واحدهای کشاورزی در گران و دشت نهایت مساعدت و پشتیبانی را بعمل میآورد و خواهد آورد . از اقدامات ارزنده ی دولت در زمینه ی کشاورزی : اجرای برنامه ی احیای اراضی زبرسدها ، توسعه ی مناطق کشت ماشینی گرگان ، حمایت از کشاورزانی که کشت آنها مکانیزه است و تشکیل صندوق توسعه ی کشاورزی * (یعنی درست اقدامات در زمینه ی حمایت از سیستم سرمایه داری کشاورزی) . (همان سمپوزیوم — پامشاد ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— محمد رضاشاه پهلوی : * کشاورزی ایران باید مکانیزه شود . قطب های کشاورزی در جاهائی که زمین خوب هست و آب هست ایجاد شود و بهمان نسبت بلکه بیشتر باید به تعداد کارگران مملکت افزود ، شود و از افرادی که در امور کشاورزی سرگرمند کاسته شود * . (اراده ی آذربایجان ، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸)

— دکتر زاهدی رئیس وقت بانک کشاورزی (وزیر فعلی کشور) :
* مسئله ی مهمی که در رساله های آیند ه برای کشور مطرح است تجدید شکل کشاورزی بصورت يك کشاورزی ماشینی و تجارتی است * . (در کنفرانس اطباءهای بازرگانی در تبریز — تهران اکتومبست ۱۸ شهریور ۱۳۴۶)

— دکتر زاهدی وزیر وقت کشاورزی (وزیر فعلی کشور) :
* ... ایمان صاحبان سرمایه و بخش خصوصی به نتیجه ی انقلاب سفید شاهنشاه آیامهر در اجرای برنامه های اساسی کشاورزی و دامداری است * . (آیندگان ۱۷ فروردین ۱۳۴۸)

— پیغام امروز ، سرمقاله ی ۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ :
* این تصویر که جامعه ی بی طبقات میتواند وجود داشته باشد خیال است و باطل * . نزدیکترین طبقه ای که مسالمت آمیز میتواند جای طبقه ی برکنار شده ه — عنصر مالک بزرگ — را بگیرد طبقه ایست که با سرمایه —

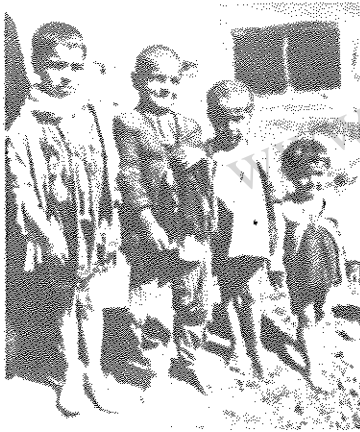
سرکاردارد *

— پیغام امروز، سرمقاله ی ۲۵ مرداد ۱۳۴۵ :

* در اقتصاد دگرگون شده ی کشاورزی کشور جای بزرگی خالی است که سرمایه های خصوصی در این میدان وسیع فرصت فعالیت دارند. بیش از هر طبقه در کشور ما سرمایه های خصوصی و صاحبان سرمایه هستند که باید از تحولی که پدید آمده استقبال کنند *

— اطلاعات، سرمقاله ی ۲ مرداد ۱۳۴۷ :

* در رژیم نوین روستائی ایران که سیستم ارباب — رعیتی را منسوخ کرد و لاجرم بر روی اراضی زراعی د و طبقه بیشتریاتی نمی مانند و همکاری این دو طبقه صرفاً بر مبنای روابط کارگر و کارفرما امکان پذیر است و لاغیر



چند نمونه از شرکت‌های سهامی سرمایه داری که در سال ۱۳۴۸ برای سرمایه گذاری در امریکا توری و امپوری و غیره داری و کانیزه کردن عملیات زراعی تشکیل شده است

نظم شرکت	سرمایه بریال	تاریخ تشکیل	برخی ملاحظات
توباك سجاد تبران چچا بنه می کرمان گلستان تولید مرکبات هورش غلتان	۵۰۰۰۰۰ ۱۶۰۰۰۰۰ ۳۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۲۰۰۰۰۰۰	فروردین * * * * * * اردیبهشت خرداد	محل سرمایه گذاری در یکی از قبایع همدان دروگزوجه باغ مرکبات و دانه های روغنی از این رقم ۱۰ میلیون ریال برای دوظیفی اراضی مشغول اندک در بلوچستان است و فقط ۵۰ هزار ریال نقد در مرکز توجه : دانه های روغنی از سرمایه ۱۰۰۰۰۰۰ ریال جسی و غیرمغول است یعنی املاک اربابان سابقان فعلی سرمایه گذار گزاران و دشت عرضی اساسی جولان زمین اربان موجب سرمایه است از سرمایه گذاران : کاوانس و هومان و جیب دادفر شهریور * * تبر ۵۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۸۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰
پهمن دشت مرغ اری ایران آلمان زراعی تربت جام پوشه زار دشت طوسی د هبان سیمغ کی کار	۱۰۰۰۰۰ ۴۰۰۰۰۰۰ ۳۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰	* * * * * * * * * کی	مدیر عامل : والا کبر شیرام پهلوی (پسرانوف) وی مانند میراد ران و سایر اقوام شاه شرکت های متعدد سرمایه داری درست کرده و اراضی وسیع کانیزه یا کارگزاران میسر راه انداخته از سرمایه ۱۰۰۰۰۰۰ ریال نقد ۴۰۰۰۰۰۰ سهمی از سرمایه ۱۰۰۰۰۰۰ ریال نقد ۸۰۰۰۰۰۰ سهمی است در رابطه گروه هنیه - گلشهر در ساوجبلاغ کرمانج متعلق به راستگر بازنشسته حسن ارفع د اداری ، آموزش جلیور
غذایی روزانه دشتستان گناورزی د امپوری لارک حشم	۱۵۰۰۰۰۰ ۵۰۰۰۰۰۰ ۳۰۰۰۰۰۰ ۴۸۰۰۰۰۰	* * * استفاد	

شرکتهای کشت و صنعت

شکل خالص کشاورزی سرمایه داری، با کارگر کشاورزی و سرمایه ی کلان، آمیخته با سرمایه های خارجی یکی از دو شکل اصلی اجرای سیاست کشاورزی رژیم است*

از نظر فنی: ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی و صنایع وابسته بدان، در مرغوبترین و حاصلخیزترین اراضی وسیع، بویژه در اراضی زیرسدها دارای آب دائم و شبکه ی آبیاری و برق و جاده، بازار فروش تأمین شده، و مسائل مدرن کشت و برداشت و امکان تولید عمیق*

در آغاز تکنیکرتهای رژیم این قطب هارا بشکل مؤسسات دولتی با سرمایه ی اصولا دولتی در نظر میگرفتند:

— منصوریوحانی وزیرآب و برق: تا آخر برنامه ی چهارم قریب سیصد هزار هکتار اراضی زراعتی و بخصوص اراضی زیرسدها را تحت قطبهای منطقه ای کشاورزی در میآوریم بازراعت مدرن با سرمایه ی دولت و سیستم جدید کشت* (۲۴ مهر ۱۳۴۶)

— اطلاعات: بمنظور ایجاد قطبهای جدید کشاورزی، شرکتهای کشاورزی دولتی تأسیس میشود* (۱۶ مهر ۱۳۴۶)

ولی بتدریج صحبت از سرمایه ی افراد و بخش خصوصی ۰۰۰ داخلی و خارجی ۰۰۰ و بالاخره تنها خارجی*

— پیغام امروز: " ۰۰۰ تشکیل شرکتهای کشت و صنعت با اصول بازرگانی با سرمایه ی دولت یا با سرمایه دولت و افراد ۰۰۰ و ... اجازه ی بهره برداری از منابع آب و زمین زیرسدها بشرکتهای داخلی و خارجی ۰۰۰" (۹ آذر ۱۳۴۶)

— همان آقای روحانی وزیرآب و برق: برای ایجاد تأسیسات کشت و صنعت ۰۰۰ از سرمایه گذاری های خارجی و کارگران متخصص و کارشناسان خارجی استفاده خواهد شد* (تهران اکونومیست، ۹ آذر ۱۳۴۷)

ایرج وحیدی وزیر کشاورزی:

* واحدهای کشت و صنعت یعنی روش نوین کشاورزی عبارتست از سرمایه گذاری کافی در واحد سطح، استفاده از تجربیات کارشناسان، مدیریت و تکنولوژی جدید* (آیندگان ۱۲ مهر ۱۳۴۸)

— تهران اکونومیست:

* این واحدها به سرمایه های کلان و اطلاعات کافی احتیاج دارند که هر دو در آمریکا پوفور هست و آمریکائیان میتوانند قیافه ی کشاورزی ایران را عوض کنند. تصور میرود که شرکتهای سرمایه داران آمریکائی که چند سال است در این مورد مطالعه میکنند پس از مسافرت شاهنشاه مصمم گردند و اقدام نمایند* (۳ آبان ۱۳۴۸)

فرصت برای سرمایه گذاران ۰۰۰* (سرمقاله ی روزنامه ی اقتصاد ی پورس، ۲۶ فروردین ۱۳۴۸)

سودی حتی بالاتر از صنعت برای سرمایه داران ایرانی ۰۰۰* (سرمقاله ی مجله ی تهران اکونومیست، ۳ آبان ۱۳۴۸)

* با اجرای قانون کشت و صنعت ۰۰۰ سرمایه داران بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی بمقیاس بزرگ تشویق بمسرمایه گذاری خواهند شد* (تهران آگنومیست ، ۱۷ اسفند ۱۳۴۷)

* شاهنشاه مقرر فرموده اند که کشاورزی ایران در قطب های وسیعی که امکانات زراعت بحد فزونی در آنها وجود دارد گسترش یابد ، و این روشی است که توأم باتکنولوژی جدید ، کشاورزی ایران را در مرحله ی نوینی از تحول قرار میدهد*
(آقای منصور روحانی وزیر آب و برق در مراسم آغازکار نخستین واحد کشت و صنعت - آیتدگان ۲۲ آذر ۱۳۴۸)

۱۳ دیماه ۱۳۴۶ لایحه ی تأسیس شرکتهای بهره برداری از اراضی زیرسدها یا شرکتهای کشت و صنعت تسلیم سنا شد .
برخی مواد :

کمترین وسعت اراضی هر شرکت ۰۰۰ هکتار (ماده ی ۲)
اجاره به مؤسسات داخلی یا خارجی (ماده ی ۳)
قیمت گذاری و خرید مزارع اشخاص که در زیرسده قرار دارد (ماده ی ۴)

(پینجام امروز ، ۶ دی ۱۳۴۶)

* وزارت آب و برق ایران ، زمین ، آب ، برق ، بازار داخلی ، جاده ، نیروی انسانی لازم را تأمین خواهد کرد* (اطلاعات ۲۳ دی ۴۶)
* ممکن است سرمایه گذاری در این واحدهای بزرگ در برود امر بشرکتهای خارجی واگذار شود* (خوشه ، اول دی ۱۳۴۷)
* ۱۶ نفر نمایندگان کمپانیهای معروف امریکائی براهنمائی آقای وارن رئیس اصل چهار سابق برای سرمایه گذاری در کشت و صنعت وارد ایران میشوند* (اطلاعات ۲۳ دی ۱۳۴۶)
* مذاکره برای تأسیس قطبهای کشاورزی و بررسی امکانات همکاری بخش خصوصی با سرمایه گذاران امریکائی در اطاق صنایع و معادن (اطلاعات ، ۲۷ دی ۱۳۴۶)
- اولین واحد کشت و صنعت در آذرماه ۱۳۴۸ افتتاح شده . صاحب آن هاشم نراقی سرمایه دار امریکائی ، صاحب بزرگترین بادام زار عالم در کالیفرنیا و دارندة ی ۳۵ هزار هکتار زمین در آنجا ، بیلیارد در در رأس یک گروه سرمایه گذاران امریکائی بایران آمد .
- مرحله ی اول پنج هزار هکتار ، توسعه در مرحله ی دوم در سه سال تا ۱۸ هزار هکتار .
- ۱۵ میلیون دلار سرمایه گذاری ، ۲۵۰ دستگاه ماشین آلات مختلف در روز افتتاح ، ۵۰۰ هکتار کشت مارچوبه ، ۱۲ هزار نهال ...

مردمبارز :

در هر هکتار از اراضی زیرسده سرمایه گذاری باید ۱۵ هزار تومان سرمایه گذاری کند ، نیمی برای کشت نیمی برای فعالیتها ی صنعتی

از هر هکتار زمین هفت هزار تومان سود عاید سرمایه گذار میشود* (نقل از خواند نیها، ۱۸ مرداد ۱۳۴۸) *

روحانی در مراسم افتتاح نخستین شرکت :

* از هر هکتار میتوان سالانه در حدود ۸۰ هزار ریال محصول تولید کرد* (۱۳۴۸ آذر)

آیندگان ، ۲۷ آذرماه ۱۳۴۸) :

* واحد های بزرگ کشت و صنعت کشاورزی را برای نخستین بار بصورت يك بازرگانی (بیزنس) بزرگ در ایران در میآورد*

هویدا - نطق در مجلس بمناسبت تقدیم بودجهی سال ۱۳۴۹ :

* دولت در زیرساخت ها سرمایه گذاری را در مناطق وسیع کشاورزی تشویق میکند*

بهار ایران - دکترود یعنی استاد دانشگاه :

* هرآنچه آمدی در این قلع و قمر زیرساخت سودبخش است * زمین پاک رانفته و میخ طلا رانفته میبیم
* * * طبیعی است که مورد استقبال هر سرمایه دار علاقمند است و لابد چنان سود آور و پسر
بازده که از آنسوی کره ی زمین هم میتوان بداند ست زد* (نقل از خواند نیها ۱۸ آذر ۱۳۴۸)

شرکتهای سهامی زراعی

اگزایی د ولتیان از شرکتهای سهامی زراعی

- شاه : * این تجربه ی کاملاً جدید است و ما بآن امید زیادی داریم * * * ما خود را اسپر ایسم هانیکنیم* (مصاحبه با ایران
تریبون - پیغام امروز، ۴ خرداد ماه ۱۳۴۷)

- اطلاعات : * * * * وسیله هدفهای مهم انقلاب از قبیل تغییر سیستم کشاورزی به مدرن ترین شکل آن * تشکیل این شرکتهای
نویسه کشاورزی ایران خواهد بخشید* (سرمقاله ی ۷ آذر ۱۳۴۶) *

- ولیان : * بین مکتب سرمایه داری و کمونیسیم ، بایستکار شاهنشاه ، مکتب تازه ای که عمارت از انتقال حق زراعت زمینها به
شرکتهای سهامی زراعی است و در دنیا سابقه ندارد ، بوجود آورد * ایم* (سحر، ۱۷ دیماه ۱۳۴۶ - از سخنان
ولیان وزیر اصلاحات ارضی در سمینار کتاب انقلاب سفید)

- شاه در مراسم افتتاح مجلسین : * تشکیل این شرکتهای مهم ترین عامل ایجاد يك کشاورزی صنعتی مدرن برای حد اکثر بهره برسد اری
(۶۱)

کشاورزان از زمینهای مزروعی است. این ابتکار است برای نخستین بار در کشور ما* (اطلاعات، ۱۴ مهرداد ۱۳۴۷)

نحوه ی کار شرکتها

از مواد قانون مربوطه (مصوب د ی ۱۳۴۶) :

- هدف : افزایش درآمد کشاورزان ، بکار بردن ماشین آلات ، اصول جدید کشاورزی ، استفاده از نیروی اضافی انسانی ، جلوگیری از خرد شدن زمینها (ماد ۱ ی اول) .
 - اعضای شرکت : زارعان زمین خرید ، یا مستاجر ، بزرگران ، خرد مالکان مشمول شی تقسیم مرحله ی دوم ، کشاورزان و خرد مالکان غیر مشمول (ماد ۲ ی دوم) .
 - اگر ۱۵٪ این اشخاص در هر منطقه قبول کنند شرکت تشکیل میشود ، بقیه اجباری (ماد ۳ ی ششم) .
 - صاحبان اراضی مکانیزه و سایر شرکتها و واحد های کشاورزی يك منطقه میتوانند تقاضای شرکت سهامی زراعی بکنند (ماد ۴ ی چهارم) .
 - زائد ابروی مکلف با اجرای تصمیمات هیئت اوزارت اصلاحات ارضی در مورد این شرکتها (ماد ۸۵^{ست})
 - اقساط بدهی زارعین (خرید ارا^ن زمین) و اجاره بها (از مستاجرین زمین) از حساب این سهامد ارا^ن کسر و به مالک یاد ولت پرداخت میشود (ماد ۵ ی دوازدهم) .
 - سهم مالکانه ی مالک یا مالکان اراضی که توسط بزرگان زراعت میشود بحساب بزرگان سهامد ا^ر کسر و به مالک پرداخت میشود (تبصره ی ماد ۵ ی دوازدهم) .
 - سهامد ارا^ن حق استفاد^ه ی مطلق و دائم از اراضی را بشرکت واگذار میکنند و متناسب با ارزش این حق و مقدار و موقعیت زمین و نیز متناسب با ارزش عوامل زراعی از قبیل گاو نیرو و سیله ی شخم و ماشین آلات کشاورزی تعداد ی از سهام را در ریافت مید آرند (تبصره ی ماد ۵ ی چهارم) .
 - سهامد ارا^ن میتوانند سهام خود را بشرکت بدوین هیچگونه محدودیتی و به سهامد ارا^ن دیگر آن شرکت منتقل کنند* هدف این خواهد بود که سهام متعلق به هر يك از سهامد ارا^ن از سهام مربوط به بیست هکتار زمین آبی یا چهل هکتار زمین دیم تحت کشت کمتر نباشد (ماد ۶ ی نهم) .
- سند ای ایران نوین ۲۳ ی ۱۳۴۷ : * در شرکت سهامی زراعی هر زارع صاحب سهم بدو نوع بهره مند میشود : یکی سود

ویژه ای که در آخر سال زراعی بین صاحبان سهام تقسیم میگردد و دیگر مزی که در ازای کار خود
در زمینهای متعلق به شرکت دریافت میکند.*

— شاه در مصاحبه با مخبران بی سی :

* این شرکتها بین سه تا هشت هزار هکتار زمین خواهند داشت ۰۰۰ اعضا علاوه بر اسناد زمین
و میزان سهمیه در مقابل کاری که انجام دادند بطور هفتگی ماهیانه و سالیانه دستمزدی
دریافت خواهند کرد.* (اطلاعات ، ۵ اسفند ۱۳۴۸)

— اطلاعات ، ۷ آذر ۱۳۴۶ : * در هر شرکت کشاورزان و خرد مالکان در بین حال صاحب سهام و کارگر شرکت محسوب
میشوند ۰۰۰ با تشکیل این شرکتهارا برای شرکت مستقیم دولت با کشاورزان و سرمایه گذاری
دولتی در امور کشاورزی باز میشود.*
(وزارت اصلاحات ارضی میتواند ارضی بایر، موات و دایر متعلق بدولت را در اختیار شرکتهای گذاشته و بهمان نسبت در ارضی
سهم شود - ماده ی سوم قانون) *

در باره ی اصل فروش سهام (ماده ی نهم قانون) - راه تبدیل عدوی کمی بصاحبان سهام بیشتر و ایجاد اقلیت مرفه بحساب اکثریت محروم

— شاه : * سهامداران میتوانند بدون هیچگونه محدودیتی سهام خود را بیکدیگر بخرند یا بیکدیگر منتقل کنند *
از این راه بتدریج این امکان بوجود خواهد آمد که هر خانواده ی روستائی بتواند لاقبل از
درآمد سالانه ی سهام مربوط به ۱۵ تا ۲۰ هکتار زمین آبی یا چهل هکتار زمین دیم استفاده
نماید.* (از پیام شاه بمناسبت ۱۹ دی سالگرد اصلاحات ارضی - اطلاعات ۲۰ دی ۱۳۴۶)

— شاه : * اگر کسی بخواهد از تعاون خارج شود میتواند آزادانه اینکار را بکند* باین وسیله افراد شرکت
میتوانند هر یک بیست تاسی هکتار زمین داشته باشند.* (مصاحبه ی مدییران نیروی پاشاه
پیغام امروز ، ۴ خرداد ۱۳۴۷)

— شاه : * اگر کشاورزان عضو از کار خود خرسند نباشند میتوانند سهم خود را بدیگر اعضای شرکت بفروشند و
از آن خارج شوند.* (مصاحبه مخبران بی سی با شاه - اطلاعات ۵ اسفند ۱۳۴۸)

برخی ارزیابیهای دیگر

— تهران اکتونویست ۱۱ خرداد ۱۳۴۷ : * نباید فراموش کرد که این شرکتهای باعث خواهد شد که بیکاری آشکار در روستاها
زیادتر و دهقانان بیشتر اوقات خود را با بیکاری بگذرانند.*

— بامشاد، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۷: در این شرکتهای سهامی ۰۰۰ طبعاً تعدادی از کشاورزان که بامور فلاحی اشتغال داشتند در این رهگذر بیکار خواهند ماند.

بجز وسیله مطمئن گرفتن قسط و اجاره بها و سهم مالکانه از هفتان (مادهی دوازدهم) و برخی مسائلی، شرکتهای سهامی زراعی وسیله ایست برای ایجاد قشر کوچکی از هفتان ثروتمند تر متشکل در یک شرکت، بحساب ورشکست شدن و از دست دادن سهام، آواره شدن و یا تبدیل بیکارگشاورزی شدن اکثریت دقانان منطقه ی شرکت.

در جدول زیر نتایج اجرای هدف دولت (مادهی دوازدهم) نشان داده میشود. پایهی محاسبه حد متوسط ۲۰ هکتار زمین برای خانوار سهامدار (بجز مازندران و گیلان ۲۰ هکتار) و هر خانواده پنج نفر

مشخصات هر شرکت سهامی زراعی		وضوح کنونی		عدد کافی برای هدف رژیم در صورت اجرای نقشه		عواقب اجرای نقشه دولت	
شماره	محل	نام	مساحت به هکتار	تعداد سهامداران	جمعیت	سهامداران کافی	جمعیت اضافی
۱	شمس آباد فارس	اریا	۱۲۰۰	۸۰	۹۵۰	۴۰	۴۰
۲	وزن - همدان	درگزین	۲۵۰۰	۴۱۵	۴۵۰۰	۸۳	۲۳۲
۳	گلپایگان	گلپایگان	۲۳۰۰	۱۲۶	۱۱۳۴	۷۷	۶۰
۴	دیزج آذربایجان شرقی	دیزج	۱۴۴۰	۱۲۶	۷۹۵	۴۸	۷۵
۵	سنندج - کردستان	نرج	۴۰۰۰	۳۴۰	۲۵۷۰	۱۴۰	۲۰۰
۶	ذهاب کرمانشاهان	رضا پهلوی	۲۱۴۰	۳۷۲	۱۶۴۱	۷۰	۳۰۰
۷	شیروان - لرستان	شیروان	۷۸۰	۹۸	۵۸۴	۲۶	۷۰
۸	دیزباد سلفچگان خراسان	فرحناز	۱۵۰۰	۹۶	۹۰۰	۵۰	۴۵
۹	گرمسار - تهران	گرمسار	۲۵۴۰	۳۹۷	۴۴۱۵	۱۱۸	۲۸۰
۱۰	باغین کرمان	کرمان (۴)		۱۱۶	۵۳۲۹		
۱۱	چالستر چهارمحال	سهناز	۲۱۰۰	۲۰۸	۵۰۰۰	۷۰	۱۳۰
۱۲	قائنات - خراسان	نیم بلوک بالا و پائین	۸۰۰۰	۱۰۵۹	۸۵۶۹	۲۸۰	۷۰۰
۱۳	فومن - گیلان		۶۲۵	۱۶۴	۱۳۹۵	۳۰	۱۳۰
۱۴	ساری - مازندران		۱۰۰۰	۳۲۱	۱۶۴۵	۵۰	۲۷۰

این جدول مربوط به ۱۵ شرکت سهامی است که در سال ۷ تشکیل شد و طبق گزارش وزارت اصلاحات ارضی ۲۷ هزار نفر در ۴۲ هزار هکتار متشکل گردید. در حالیکه این مقدار زمین طبق هدف رژیم برای ۱۴۰۰ سهامدار، یعنی باعانه برای ۷۰۰۰ نفر کافیست و حد اکثر بیاد رتخل گرفتن سایر عوامل

زراعی برای ۱۴ هزار نفر * پس ۲۳ هزار نفر باید سهم خود را بفروشند و برونند *

اصلاح ارضی بنیادی ، بسود د حقانان زحمتکش و بدست آنان ، همچنان درد ستور روز جامعه ی ماست

- * بخصوص آنعد ه از زارعینی که از زمین مرغوب و وسیع بهره مند گردیدند و مقداری نیز سرمایه ی نقدی داشتند ... زندگی شاد روفتی گرفت ولی اینراهم باید قبول کنیم که هنوز اکثریت زارعین هم در یک مساحت کفتری زراعت میکنند ، هم فاقد وسائل اولیه زراعی هستند و هم مطلقاً موجودی نقدی ندارند . اینان هنوز در عسرت و بدبختی زندگی میکنند* (اراده ی آذربایجان ، سر مقاله ، ۱۸ آذر ۱۳۴۶) .
- * اقلیت د ارارتی که از لطف و عنایت مالکان بهره مند بودند و قطعات بهتر و بزرگتری در اختیار داشتند (نسق) بیش از دیگران از اصلاحات ارضی برخوردار شدند* (فورین آفرز - از باختر امروز شماره ۱۳ فروردین ۱۳۴۵) .
- * یک دهقان ایرانی شاید در پنج هکتار زمین هم نتواند حداقل زندگی خود را فراهم سازد* (تهران اکونومیست ، ۲ دی ۱۳۴۶)
- * بعقیده ی میس لمبتون مقدار اقتصادی زمین برای یک خانواده ی پنج نفری بحسب مرغوبیت بین ۵ تا ۱۰ هکتار است* (اراده ی آذربایجان ، ۹ مهر ۱۳۴۵) .
- ولیان در مراسم افتتاح شرکتهای سهامی زراعی نیم بلیک بالاوپائین :
- نسق زراعی اکثر دهقانان قاضات از نیم هکتار تجاوز نمیکرد ه است* (آیندگان ۲۳ آبان ۱۳۴۷) (در حالیکه اسداله ظم وزیر دربار ، امیرقاضات و سلطان زعفران فقط در این ناحیه ۷۵۰۰۰ هکتار زمین را بویژه تحت نام " شرکت آبیاری قاضات" در دست داشت - تازلزله ی خراسان)

گزارش رسمی سازمان اصلاحات ارضی مهر ۱۳۴۴ - در ۷ ماه گذشته ما موران به ۹۳۴۷۰ فقره شکایت و اختلافات بین زارع و مالک رسیدگی کرد نسد *

* * * * * ۱۳۴۶ - درسی ماه گذشته ۵۲۵۶۶۱ فقره شکایت

* * * * * ۱۳۴۷ - در چهل ماه گذشته ۵۵۸۶۱۸ فقره شکایت از مالک و ۳۱۰۰۰ شکایت از کارکنان

اصلاحات ارضی *

وزارت اصلاحات ارضی اعلام کرد که بهیچ شکایتی رسیدگی نخواهد شد مگر اینکه قبلاً بوسائل مقتضی هویت شاکئی وانتساب شکایت به او محرز و مسلم شده باشد |

(اطلاعات - ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷)

(۶۵)

— مالکان زارعینی را که برطبق قانون صاحب ملك شده اند يكايك به كريد وره‌های عدليه ميكشند و چون زارعان از بيچ و خم قانون سرد رنی - آوزند اغلب محكوم ميشوند و بعضی نيز بزندان ميفتند و بدین ترتيب رعب و وحشتی در دل زارعان بوجود آورد و اند و چه بسا سواستفادها که از اين بابت کرده اند* (بامشاد ، ۷ اسفند ۱۳۴۵) .

مهاجرت — پدیده ی جانکاه و روزافزون در روستاها :

— در جنوب شهرتبران دهاتیان تازه بشهرآمد و اصولاً غذای شب رانند ارند بخورند تاچه رسیده جای خواب* (خواندنیها ۲۶ دی ۱۳۴۱)

— در جنوب فارس و منطقه ی لارستان ۰۰۰ ازهرد و خانواد و يك نفر درموتنش نیست* (تهران مصور ، ۴ اسفند ماه ۱۳۴۶) .

— مهاجرت روستائیان بشهرها ۰۰۰ بایک کاری در سطح خیلی پائین خطرعد و بشمار میرود* (تهران اکونومیست ، ۱۵ تیر ۱۳۴۷) .

— کردش چرخ امور کشاورزی بکلی درقم مختل شد و بیش از ده هزار نفر از کشاورزان قم ناچار بشهرها کوچ کرده اند* (اطلاعات ۸ - ۱ - ۴۷)

— سیل مهاجرت روستائیان بطرف شهرها سرازیر میگردد . . . شرایط نامساعد زندگی در دهات یکی از عوامل موثر در مهاجرت روستائیان بشمار میرود* (آیندگان ، ۱۰ اسفند ۱۳۴۸) .

— در دهات ایران زاندر مهاجرت جای اربابان سابق بجان زارعین افتاده و دهقانان دسته دسته از زمینهای خود رانده شده و بسوی شهرها پناه میبرند* (ضمیمه ی مردم — ارگان تشکیلات تهران حزب توده ی ایران — شرفنامه شماره دوم ، سال سوم) .

ثروتمندان بر اراضی جنگ میاندازند :

— اخیراً دهی زیادی از سرمایه داران و مالکان سابق روستاها در زمینه ی دامپوری شروع سرمایه گذاری کلان کرده اند و با استفاد از قانون واگذاری اراضی جنگلی شمال کشور و باتشکیل شرکتهای بزرگ با مشارکت سرمایه های خارجی دست بفعالیتهای بسیار بزرگ اند (جوانمردان نقل از خواندنیها ، ۱۳ تیر ۱۳۴۴)

— جالب اینکه اغلب رجال تقاضای خرید اراضی جنگلی کرده اند تا هنگام عزل یا بازنشستگی به کشاورزی مشغول شوند* (سپید و سیاه ، ۱۱ دی ماه ۱۳۴۷)

— آفتسی که هم اکنون مالکیت کشاورزان را تهدید میکند پدایش طبقه ی خاصی است که محصول یکساله ی زمین آنها را به ثمن بخصس میخرند و سال دیگر باز این معامله را از سر میگیرند تا یک خوروار زمین را به قیمت نازل از جنگ دهقانان محتاج بدرمی آورند* (خواندنیها ، ۱۱ آبان ۱۳۴۷)

— عد و ای نزول خوار از خدایی خبر بلای عظیمی برای دهقانان شد و مثل خوره بجان دهقانان افتاده اند و بیم آن میگردد که دهقانان از همستی ساقط شوند* (تهران مصور ، ۱۸ اسفند ۱۳۴۶)

— اعلامیه ی وزارت اصلاحات ارضی هفتم مرداد ماه ۱۳۴۷ :

* حد اقل واحد زراعتی راد اراضی آبی ۱۰ هکتار و در اراضی دیم ۴۰ هکتار تعیین و اعلام میکند . هر یک از زارعین میتوانند یا خرید نسق زراعتی زارعین متوفی در محل سکونت خویش مقد از نسق تحت کشت خویش رانند و برابر مساحت حد اقل تعیین شده (۴۰ هکتار آبی و ۸۰ هکتار دیم) خرید آری کنند مشروط بر اینکه جمع اراضی مورد تملک از حد نصاب مقرر در مواد هی ۱۵ آئین نامه در هر منطقه تجاوز نکنند* (آیندگان ، ۸ مرداد ماه ۱۳۴۷) .

واقعیت :

ادعا :

* یکی از کشاورزان ایرانی به مخیرتشریف خارجی یونایتد استیس نیوز آند ورلد ریپورت گفته است در اثر اجرای انقلاب سفید و اصلاح ارضی زندگی ماعوض شده . تا چند سال پیش همیشه نسبت به تأمین غذای بخور و نمیزی برای خانواده ی خود نگران بودم ولی اکنون در قدر هشتم گسسه همسرم چه رنگ قالی میخواستد برای منسز لمان انتخاب کند* (سحر ، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸)



* هر سال سطح کشت پائین میآید ، اغلب مردم جلای وطن کرده اند ، دهات خالی از سکنه است ، هفته و ماهی نیست که عده ای مهاجرت نکنند . در غربت در افرقه و بسی دوائی پدر روماد ر جلوی اطفال و اطفال جلوی چشم پدر روماد را زگر سنجی جانند امید هندا (آقای پردلی نمایندة سیستان — تهران اکتوبریست ، ۲۵ دیماه ۱۳۴۶) .

— در باره ی پیام شاه بناسبت سالروز تصویب قانون :
* هیچ انقلابی در این زمینه ، در تاریخ انقلابا بزرگ سیاسی واجتماعی همانند ارد ، نه در انقلاب کبیر فرانسه و نه در جاهای دیگر ، چه در روس اول قرن بیستم ، چه بعد از جنگ ، هیچ کجا اصلاحات ارضی بدین شکل در ماهیت اصیل خود همانند ند ارد*
(ندای ایران نوین ، ۲۳ دی ۱۳۴۷)

— از سند حزب توده ایران * تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما* :
امین اصلاح ارضی* با اینکه مناسبات فتوای زمینداری را متزلزل میسازد ، بهیچ وجه در جهت بهبود شرایط زندگی توده های عظیم دهقانی و رهاشی آنان از قیسد

استثمار مالکین و رباخواران سیر نمیکنند* امتیازات و اقدانات تشویقی دولت نسبت به مالکیت بزرگ سرمایه داری ، تشکیل شرکتهای سهامی زراعی ، ایجاد واحدهای کشت و صنعت در اراضی وسیع یا شرکت سرمایه های خارجی و ... کاملاً هدف سیاست دولت راد ایجاد زمینداران بزرگ سرمایه دار و ورشکست ساختن اکثریت زارعین و ریزه مالکان بسود سرمایه داران ده و شهر نشان میدهد* (مجله دنیا شماره اول ، سال دهم ، بهار ۱۳۴۸ ، صفحه ی ۶) .

سرزنش

حیف از آن زحمت وان پیل و مال
که خرج تحصیل تو شد چند سال
حقوق دانی شده ای باکمال

حیف برایت که پستاجر ی
نصه ی يك مشت عله میخوری

ای چونمگی پسر خیره سر
ما یسه ی دل ضعفه برای پدر
خیربینی تو الهی پسر

شنیده ام حزب شدی چونمگ
شعبه پروژنامه زدی چونمگ

حمایت از کارگران میکنی ؟
رعایت از رنجبران میکنی ؟
شکایت از مفتخوران میکنی ؟

پسر حیادن بتو چه بی حیا
درتوی بازار شدم رو سیا

حاجی فلان تاجر گردن کلفت
که میزند پشت سرم حرف مفت
روی به من کرد و به تاجر گفت

اجاق این حاجی ماکورهست
چون پسرش ناخلفا نجورهست

تو پسر مثل چو من آدمی
نه نصه داری نه خیال و غمی
از خر شیطان بیا پائین کمی

کارگران راتو نکن انگو لك
چونمگن برای مساعدا كلك

عیبه، بده قاطعی فعله شدن
چویش برای عله هازد ن
نناه کن به پنج انگشت من

خواست خدا هست عزیز و دلیل
کار خدا نیست پندرسی دلیل

خواست خدا هست که من تاجرم
بیل و گوبن چرم و شکر میخرم
هر تومن چند تومن میسرم

خانه خریدم ده و بساغ قشنگ
سفره ی پهناورمن رنگ رنگ

خانه ی بیلاقم درکو هسار
دامنه ی تپه لب آیشار
با دوربین منظر شهر آشکار

سایه ی بید و لب استخر آب
صفاهکی دارد یک چرت خواب

خانه شهرم دینگه بهتر از آن
مطبخ و کلخانه و حمام وان
نوکر و کلفت شو فر و باغبان

شکر که در رزند گیم نقص نیست
هست اگر زندگی، این زندگی نیست

خواست خدا هست که از گشنگی
دور تر از مطبخ ما اندکی
کناران روزنه مرده یکی

کلفت ما گفت که ده ساعت است
خفته یکی چه بی غم و راحت است

کارگری رفته بز پسر او ار
زیر بی ساختمان وقت کار
عائله اش درده چشم انتظار.

نه قاصدی رفته بده نه خیر
مراجعت نمیکنند او دیگر

آنکه شکسته شده اعضای او
بنجه ی او، بازوی او، پای او
نیست دگر هیچ کجا جای او

بما چه بدبختی بدبختها
بما چه سرسختی سرسختها

بکارگر روند ه بیخود پسر
برای ماهفتخوران شر مخر
بیجهت ایجاد بدن درد سر

کارگر هرگه شود ایران مدار
برارد از مدعیانش در مدار

وای ازان روز که این اتحاد
قوه بدست آرد و گرد د زیاد
میرود آنروز چه سررها بیاد

کاخ نشین خاک نشین میشود
در همه ی روی زمین میشود

* * *

رنجبران زحمت و کار از تو است
مفتخوری میردت مزد دست
ساکت و آسوده نباید نشست

رنجبران همه جا اتحاد
تا که شود کار جهان بر مراد

به دلیران ویت نام

تو ای نجشمان چون آهو که با حیرت نظر دوزی
براین دریای آتش، کز فراز کلبه ها خیزد.
چه بانگی وحشت افزا از نهادت میکند پرواز؟
چه بارانی زاشک از نوک مرگانت فرو ریزد؟

تو ای کودک که نعش خواهر نوزاد در آغوش
از این مرد ایسها باترس پنیان کن گذر کردی،
تو ای پیری که تنها مانده ای در روستای خویش
خموشانه به کنجی گونه را از اشک ترکردی،

تو ای بیمارگز باران بمب و شعله ی آتش
نداری قوتی اندریدن تا خویش برهائی،
تو ای سرباز آزادی که در تاریکی شبها
به سنگر، ضد خصم خونفشان، بی باک میمانی،

شما با قدرت روحی که آنرا نیست تسلیمی
عدوی غره ی کشور گشارا بینوا کردید *
بدین مرد انگلیهائی که اعجاز یست بی مانند
شما حق را و ناحق را به گیتی برملا کردید *



زمستان می آید !
 طلای خورشید در آسمان رنگپریده میشود
 بر بنفش کوهها فرشته ی کبود برف می نشیند
 و استاد چیره دست یخ بندان
 در شبی پلی از آبگینه برابگیرهای بندد

زمستان می آید !
 و این الهه ی غم انگیز
 با دمسردی خویش
 زمین را از نثار گرم آسمانی محروم می کند
 آری گلپای رقمان برف زیباست !
 ولی بام کلبه ی مرآتاپ پایگویی آنها نیست
 نسیم سرد البرز گونه های شاداب را نوازش میدهد
 ولی در پیکر ناتوانم دشنه ایست زهرآگین
 و منظر نبالهای عریان شاعرانه است
 (بویژه آندم که از خلال آنها افق غروب هوید است) ،
 ولی دیدار آنها کودکان عریان مرا بیاد می آورد

زمستان می آید !
 و بردشمنان داعی من دشمنی تازه افزوده میشود

سرنوشت ، هر سال مرا در زاغه ی محقرم
 دوبار شکنجه میکند :
 در مردادماه : در کوره ای از دوزخ
 در دیماه : در دخمه ای از زمهریر



در مرداد ماه : در عطش قطره ای آب
در دی ماه : در ریخته ی ویرانگر آن
خواه در دهکده ی گلین
خواه در برزنیهای محقر شهر
خواه آنجا که سیلاب و زلزله ویرانش کرده
یا آنجا که بی سیلاب و زلزله ویرانست
من ،

مجسمه ی فقر و بیکاری
باشانه های استخوانی ، جامعه ی ژنده ، گونه های کبود ، گز کرده ایستاده ام
زمزمه ی غبار برگهای خشک
در گوش من نغمه ی شویی میخوانند :

زمستان می آید !
جامعه بر بنیاد تناقضی وحشیانه بنا شده :
بین آنها که کاخهای غرق در نور دارند
و آنها که شعله ی هیزی را آرزو می کنند
آنها که در خزهای معطر خزیده اند
و آنها که انگشتانشان بر آهن سرد منجمد میشود
آنها که با گرایسلر براق میگذرند
و آنها که در نور خیره کننده اش دستهای گدائی یازیده اند
آنها که هر برف تازه بهرشان جشنی است
و آنها که هر برف تازه بهرشان ماتمی
و در دیده ی من زمستان با آن ردای سپید
مانند کاهنی سالویی است
که با اخم تلخ از تویپهای گدایان میگذرد
و بالبخند جابلویی در قفسور دولت مند ان کام میگذارد
و اینک این کاهن شوم
با نوزده ی یک باد وحشی
بر بام محقر کلیه ی من صیحه میکشد ،
زمستان می آید

جوانان در جوامع سرمایه داری

مبارزات جوانان انعکاسی است از بحران صیق جامعه بورژوازی معاصر. جوانان زحمتکش و در درجه ی اول جوانان کارگر که در معرض استثمار افراطی قرار دارند و در نمائی برای خود در سرمایه داری نمی بینند همواره فعالتر به مبارزه ی طبقاتی می پیوندند، وارد اتحادیه ها، سازمانهای کمونیستی و دیگر سازمانهای دمکراتیک میشوند. توده ها، وسیع دانشجویان نه فقط طیف نقائص سیستم عقب ماندگی آموزش، نه فقط بخاطر حقوق تشکیل سازمانهای خویش و شرکت موثر در رهبری مراکز آموزش، بلکه همچنین طیف سیاست طبقات حاکمه مبارزه میکنند. جوانان همواره بیشتر، ملهم از مبارزه ی خلق ویتنام و دیگر توده های مبارزات قهرمانانه ی ضد امپریالیستی، در نبرد های بزرگ خلق طیف امپریالیسم و بخاطر دموکراسی و صلح و سوسیالیسم شرکت میکنند. کمونیستها ارزش بزرگی برای اعتقاد جنیش جوانان قائلند و در آن فعالانه شرکت میکنند. در عین حال آن اندیشه های سوسیالیسم طمی را اشاعه میدهند، خطر انواع اندیشه های انقلابی کاذب را که میتوانند بر جوانان تاثير کنند، توضیح میدهند، میکوشند به جوانان در یافتن راه صحیح مبارزه طیف امپریالیسم و در دفاع از جنبش انسان کمک کنند. تنها پیوند فشرده با جنبش کارگری و گرد آن پیشگام کمونیستی است که میتواند در برابر جوانان انسان افسق انقلابی واقعی بکشد.

فقط سوسیالیسم

سیستم جهانی سوسیالیسم نیروی قاطع و اساسی در مبارزه ی ضد امپریالیستی است. هر نبرد آزادیبخش از پیشینی بی بدل آن و در درجه ی اول اتحاد شوروی برخوردار است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی، سرکوب فاشیسم آلمان و ملیتاریسم ژاپن در جنگ جهانی دوم، پیروزی انقلاب در چین و در یک رشته از کشورهای اروپائی و آسیائی، تشکیل نخستین کشورهای سوسیالیستی در آمریکا - یعنی جمهوری کوبا، پدایش و رشد سیستم جهانی سوسیالیسم شامل لاکسبور تا کیرالهام بخش سوسیالیسم بر تمام جهان شرایط مقدماتی برای تسخیر ترقی تاریخی فراهم نمود، انقلابهای نوینی برای پیشرفت به جلو و پیروزی سوسیالیسم در سراسر جهان باز کرده است. سوسیالیسم افق رهایی از امپریالیسم را به بشریت نشان داد. است. نظام اجتماعی نوین مبتنی بر مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و حاکمیت زحمتشان قادر است رشد برنامه ای و بی بحران اقتصادی را بسود خلقها تأمین کند، حقوق اجتماعی و سیاسی زحمتکشان را تضمین نماید، شرایط برای دموکراسی واقعی، شرکت واقعی توده های عظیم مردم را در اداره ی جامعه، برای تکامل همه جانبه ی شخصیت فسرده، برای برابری حقوق ملل و دوستی فیما بین آنها را ایجاد نماید. در عمل اثبات شده است که فقط سوسیالیسم قادر به حل مسائل بنیادی است که در برابر بشریت قرار گرفته اند.



گودك

اندر

ديار

سرمایه

کودک اندر دیار سسر ما یه
بی خیر از نوازش مادر
استخوان ستان بود توتش
سنگ ناسور کوچه ها بستر *

سوخته همچو شمع کافوری
در سیه چال معدنی مرطوب
خم شده پشت دستگاه غنود
از سحرگاه تا اوان غروب

گودکان دیده ام که در مرداد
بر سر تفته ریگ خفته بیدرد
چون گل منجمد فتاده یخاک
بهمن بی آمان چو زدم سرد

شهروده پر بود از این اطفال
نیمه عریان و جامه ها پاره
در میان زباله گمشده رزق
جسته همچون ستان آواره *